

است. این اولین آلبومی است که شنونده به وضوح می‌تواند سبک آشکار تجرین دریم را دریابد و در عین حال، می‌تواند آن را اولین ضبط واقعی این گروه تلقی کند. در همان زمان، ادگار فروز و کریستوفر فرینک (درامر و عضو موسس گروه Agitation Free) و استیو اشرویدر گروه تجرین دریم را تشکیل دادند. کنراد اشنیسلر مدتی کوتاه برای بازگشت به Cluster، تجرین دریم را ترک گفته بود، و البته برای آغاز کار انفرادی‌اش. کلاوس شولتس نیز تجرین دریم را ترک کرده بود. وی گروه اشراتمپل را تشکیل داد. اولین آلبوم آنها نیز هم‌زمان با کرافت ورک منتشر شد. پینک فلوید یکی از کیهانی‌ترین دوره‌هایشان را با Meddle ادامه دادند. ونجلیس دوره‌ی انتقالی تعیین‌کننده‌ای را در کار موسیقی‌اش از سر می‌گذراند. بعد از آلبوم «۶۶۶» که آهنگسازی‌اش را به عهده می‌گیرد، «آف رودیتز چایلده» منشعب می‌شود. ونجلیس هر چند در مورد راهش مردد است، از آن به بعد گل می‌کند. میان فرانسه و انگلیس پرسه می‌زند، وارد گروه پِس می‌شود و این جا و آن جایک سری کارهای تجربی می‌سازد، مثل آلبوم یاد شده‌اش که حال و هوای ماه مه ۱۹۶۸ را منعکس می‌کند. چشمگیرترینش موسیقی فیلم نوآورانه‌ای با نام des Aniaux L'Apocalypse است.

برخی ساخته‌هایش درخشانند و بازگوکننده‌ی تخیلی قوی. از این گذشته، زمانی که کارش را به جای سینتی سایزر بر مبنای ارگ‌های الکترونیک گذاشت قابلیتش دو چندان شد. هر یک از اعضای آف رودیتز چایلده به راه خود ادامه دادند، اما دو پسر عمو، دمیس روسوس و ونجلیس، راه‌هایشان به هم نزدیک بود. روسوس از آن به بعد خواننده‌ای تثبیت شده بود و کار انفرادی موفقیت‌آمیزی را آغاز کرد. مدتی، ونجلیس آوازهایی برای پسر عمویش ساخت. این که آثاری شخصی در این سال‌ها اجرا نکرد در واقع به خاطر پول بود. به لطف توفیق پسر عمو، ونجلیس برای راه‌اندازی استودیو به اندازه‌ی کافی پول فراهم کرد. در اوایل دهه‌ی هفتاد به سر می‌بریم. موسیقی الکترونیک هنوز مرتبط با «پرواز»های ناشی از مصرف ال. اس. دی و توهمان کهنه سربازهای جنگ ویتنام تلقی می‌شود. اما وقتی استفاده از سینتی سایزرها برای موسیقی راک و پاپ اشاعه می‌یابد، این تصور هم به تدریج محو می‌شود. لس، جنسیس و بان هامر، در میان دیگران، کما بیش از آنها استفاده می‌کنند.

دیرپاترین گروه و شاید درخشان‌ترین آنها از میان اعضای تجرین دریم در ۱۹۷۲ شکل گرفت، وقتی استیو اشرویدر گروه را وانهاد و ادگار فروز در کلوب برلین، پیتر بومان نوازنده‌ی کیبورد را زمان اجرا ملاقات کرد. پیشنهاد داد به گروه بپیوندند که او هم پذیرفت. اولین آلبومی که با این ترتیب جدید منتشر شد کاری افسانه‌ای، فشرده و تیره بود با نام Zeit شولتس کار انفرادی‌اش را با Imacht آغاز می‌کند، یک سمفونی الکترونیک تاثیرگذار که علاوه بر این، این حسن را دارد که اساسا با یک سینتی سایزر ساخته شده است.

دومین آلبوم کرافت ورک و نیز اشراتمپل با عنوان

انقلاب الکترونیک در موسیقی (۳)

متعارفی که آن زمان‌ها از نمونه‌های سوگ، EMS یا ARP به وجود آمدند دوری کردند و ابزارهای دیگری برای خودشان برگزیدند. این ابزارها در آغاز تا حدودی ابتدایی بودند: نوسانگرهای خانه‌گی، ارگ‌های الکتریکی دستکاری شده، انواع صفحه‌های فلزی برای استفاده‌ی کوبه‌ای از آنها و نوار مغناطیسی برای دست بردن در ضبط‌ها، ظرف چند سال، استودیوی آنها به آزمایشگاه نخچه‌ها بدل شد.

دنیای موسیقی الکترونیک با موسیقی فیلم پیچیده و هنری The Andromeda Strain که ژیل مل تصنیف کرد به توفیق فناورانه‌ی مهمی دست یافت، چون این موسیقی در واقع تنها شامل سروصداهای جهان کما بیش پیچیده مانند آن چه در سایر موسیقی‌های فیلم این دوره وجود دارد نیست.

تجرین دریم آلبوم خود را با عنوان Alpha Centauri انتشار دادند که نامش دلیل واضحی است بر تأثیری که ظهور عصر فضا بر چشم انداز موسیقایی و جامعه‌ی صنعتی شده در کل داشت. در این آلبوم در کنار ارگ‌های الکترونیک از VCS-۳ استفاده شده

گروه کرافت ورک در ۱۹۷۰ شکل گرفت. بنیادگزارانش، رالف هوتو و فلوریان اشنايدر، دو سال پیش از آن دیدار کرده بودند، زمانی که در کنسرواتوار دوسلدورف موسیقی کلاسیک می‌خواندند. زمانی اعضای این گروه را هنرمندانی چون کلاوس دینگر و میکائیل روتر (که گروه Neu را راه انداختند)، کارل بارتوس، ولفگانگ فلور و عده‌ای دیگر تشکیل می‌دادند.

تصور کرافت ورک همانند جوهره‌ی موسیقی تکنو از دید شهری یا صنعتی، به دنیای پیرامون ما به وجود آمده است، دیدی که تحقش فقط با انفجار فناوری بعد از جنگ جهانی دوم امکان‌پذیر بود. با توسعه‌ی چشمگیر صنعتی، بزرگراه‌ها، آسمان‌خراش‌ها و ابزارهای الکتریکی، فناوری، جزئی از زندگی روزمره در شهرهای بزرگ شد. تکنو را موسیقی محلی محیط‌های شهری دانسته‌اند، شاید به این دلیل که شیوه‌های زندگی در دو شهر بزرگ در دو جای متفاوت جهان، بیشتر از نواحی روستایی یک منطقه به یکدیگر شباهت دارند.

از نظر ساز، کرافت ورک از سینتی سایزرهای

Schwingungen منتشر می‌شود. پوپول ووه همکاری پرشمی را با ورنر هرتسوک فیلمساز آغاز می‌کند که چندین سال ادامه می‌یابد. موسیقی فیلم «آگوتیره: خشم خداوند» بعدی ویژه به فیلم و بیش از هر چیز به لحن آن می‌دهد که همراه با سبک خاص هرتسوک در فیلم بسیار کارساز است.

در شوروی، ادوارد ارتیف موسیقی نوآورانه‌اش را با آثاری چون موسیقی متن برای فیلم «سولاریس» ادامه می‌دهد. با وجود پرده‌ی فلزی سکوتی که در آن زمان وجود دارد، چند سال پیاپی چندین هنرمند از اروپای شرقی در سراسر جهان معروف می‌شوند، از جمله آهنگساز لهستانی مارک بیلینسکی، لازاریستوفسکی هنرمند اهل یوگسلاوی، راینراولیک از آلمان شرقی و آهنگسازان مجاریترهاپکا، گابور پره سور و لاشلو پتکو. فناوری سینتی سایزر به نحو چشمگیری طی یکی دو سال پیشرفت می‌کند. کلاوس شولتس دومین صفحه ۳۳ دورش را با نام Cyborg ضبط می‌کند و همان خط اولین کارش را پی می‌گیرد، هر چند با نوآوری بیشتر. «موسیقی تصویر» سومین کارش، در کنار نشان دادن جهش رو به جلو و چشمگیری فناوری، آوانگاردتر از دو اثر قبلی است. کرافت ورک آلبوم «رالف و فلوریان» را عرضه می‌کند. هر دو موسیقی دان موسس گروه اکنون از سینتی سایزرهای متعارف بهره می‌برند. پینک فلوید تجربی‌ترین جنبه‌های سبکشان را کنار می‌گذارند و به وضوح جنبه‌های ملودیک را در کارشان برجسته‌تر می‌کنند تا مخاطبان بیشتری پیدا کنند. اشرا تمپل Join in را عرضه می‌کند که در آن کلاوس شولتس ورزی مولر با هم کار می‌کنند. زنی دیگر وارد گروه می‌شود که چندین سال در آن کار کرد. در آگوست ۱۹۷۳، تجربین دریم «بیابان سبز» را ضبط می‌کند. این کار بیش از ۱۰ سال منتشر نشده باقی می‌ماند تا این که گروه تصمیم می‌گیرد آن را در آلبوم‌های اولشان بگنجانند. صفحه‌ی ۳۳ دور رسمی سال ۱۹۷۳ Atem بود که تقریباً صدای تجربین دریم را تثبیت کرد و در دسامبر همان سال همراه با «فاندر» به بازار آمد.

گروه‌هایی که کاری با موسیقی الکترونیک انجام نمی‌دادند نیز از فناوری‌های روز در کارشان بهره می‌بردند. یکی از نمونه‌هایی که بیشترین توجه را جلب کرد گروه فولک راک آمریکایی، کریدنس کلرواتر ریویوال است که قطعه‌هایی را با ویژه‌گی‌های نامتعارف انتشار دادند که حتی یکی از آنها به عنوان «آونگ» کیفیتی تجربی داشت. عرضه‌ی «فاندر» در ۱۹۷۴ با اولین صفحه‌ی ۳۳ دور انفرادی سرپرست تجربین دریم، ادگار فروز، همراه بود که عنوانش «آکوا» بود و درست با همان بازتاب بین‌المللی گروه، جزو ۱۰ اثر برتر فهرست انگلستان هم قرار گرفت.

کلاوس شولتس که مثل تجربین دریم از مرزها فراتر می‌رود «رقص سیاه» را عرضه می‌کند که در آن صدای باریتون و هم‌سرایان اپرایی را با جدیدترین سینتی سایزرهای زمان تلفیق می‌کند. کرافت ورک نیز موفق بود. آلبومشان، «توبان»، سرودی واقعی برای بزرگراه‌ها، تکنو را در اروپا رواج داد. در این

کار آنها با یک نمونه Vocoder آواز خواندند که مخصوص آنها ساخته شده بود.

اگر تجربین دریم سکونسر را در ساختن پیچیده‌ترین ریتم‌ها باب کرد، کرافت ورک گروهی بود که «وکودر» را به عنوان ابزاری قادر به دیستورت کردن صدای انسان و برداشتن محدودیت‌ها رواج می‌دهند و بدین ترتیب، به صداهایی فلزی می‌رسند که گویی روایات تولید کرده است. عجیب اینکه «وکودر» آن زمان ابداع نشده بود، چون وجودش به دهه‌ی ۱۹۳۰ برمی‌گردد و برای استفاده‌های مربوط به موسیقی توسعه نیافته بود، مگر تا حدودی رمزپرداز / رمزگشای صدا برای استفاده‌ی نظامی، یعنی برای پنهان کردن مکالمه‌های تلفنی شبکه‌ی جاسوسی

**با توسعه‌ی چشمگیر صنعتی،
بزرگراه‌ها، آسمان خراش‌ها و ابزارهای
الکتریکی، فناوری، جزئی از زندگی
روزمره در شهرهای بزرگ شد. تکنو
را موسیقی محلی محیط‌های شهری
دانسته‌اند، شاید به این دلیل که
شیوه‌های زندگی در دو شهر بزرگ در
دو جای متفاوت جهان، بیشتر از نواحی
روستایی یک منطقه به یکدیگر
شباهت دارند**



متحدین طی جنگ جهانی دوم.

«جن گیر»، یکی از تاثیرگذارترین فیلم‌های ترسناک تاریخ سینما، بخشی از تاثیرگذاری‌اش را مرهون بخش شبح گونه‌ی Tubular Bells اثر مایک آلفیلد است که اسطوره‌ای‌ترین سکانس‌های فیلم را همراهی می‌کند.

در ایتالیا نیز کسانی چون جولیانو سورگینی هستند که در نوع کاملاً الکترونیک موسیقی برای موزیک متن فیلم‌های ترسناک پیشگامند.

در ژاپن، ایسانو تومیتا راه والتر کارلوس را ادامه می‌دهد و به جای ارکستر آکوستیک با استفاده از

سینتی سایزر روایت‌های الکترونیک قطعه‌های موسیقی کلاسیک را می‌سازد.

موسیقی الکترونیک با سرعتی زیاد رواج یافته و قبولش در نظر مخاطبان، به ویژه نسل جوان، افزایش می‌یابد. گواه این نکته، موفقیت آشکار Super sound Single از کنراد اشنیتسلر است در میانه‌ی دهه‌ی ۱۹۷۰ در دیسک‌های اروپا که آینده‌ای درخشان برای سبک‌های عامه پسند موسیقی الکترونیک پیش‌بینی می‌کند.

کلاوس شولتس فقط چهار سال بعد از آغاز کار انفرادی‌اش یکی از آهنگسازان مدرنی قلمداد شد که بر بیشتر هنرمندان الکترونیک جدید تاثیر می‌گذارد.

تجربین دریم آلبوم عالی Ruby con را عرضه می‌کند که کریس فرینک نقشی مهم در تصنیف آن بر عهده دارد. این گروه توری موفقیت آمیز در اروپا می‌گذارد که طی آن آلبومی شکل می‌گیرد که به نظر بعضی‌ها یکی از ستون‌های موسیقی الکترونیک جدید می‌شود: Ricochet این آلبوم نمایشی از ریتم‌های پیچیده است که هرگز نظیرش پیش از آن شنیده نشده بود. فرینک در استفاده از سکونسرها و کامپیوترهای ریتم سازه دستاوردی عالی می‌رسد. Ricochet چنین موسیقی خاصی است. این موسیقی چنان عمیق در جهان الکترونیک غوطه ور شد که در برانگیختن شور و شوق نسل‌های جدید شنونده‌گان در دهه‌های بعد نیز توفیق داشت. سپس، ادگار فروز «اپسیلون در مرز مالزی» را انتشار داد که اثر نوآورانه و پیچیده بود. سرپرست تجربین دریم به چنان موفقیتی دست یافت که فقط با دو آلبوم جنبه‌ای تجاری پیدا کرد، آن هم با عنوان «روایات الکترونیک».

ونجلیس با پولی که از آواز ساختن برای دمیس روسوس دریافت کرد توانست استودیوی شخصی‌اش را بر پا کند. برای این منظور، خانه‌ای قدیمی در لندن می‌گیرد و بعضی از بهترین کارهایش را آن جا می‌سازد. یک بار دیگر، الهام مبتنی بر موضوع به کارش می‌آید و از کیفیت دراماتیک و حماسی مضامین کتاب مقدس بهره می‌گیرد. بنابراین، اولین آلبومش با عنوان «بهشت و دوزخ» شکل می‌گیرد که یکی از شاهکارهای موسیقی الکترونیک جدید است. در «بهشت و دوزخ» به اجرایی حماسی گوش می‌سپاریم که صداهای الکترونیک به آن جنبه‌هایی رازآمیز، عاطفی و گرم می‌بخشد. این آلبومی است با تم‌هایی خشن و تاثیر گذار و همچنین با رنگ و بویی رمانتیک که تک خوان زن و گروه هم‌سرایان هم دارد. تلفیق آوا، سازهای کوبه‌ای و سینتی سایزرها موثر است و بیش از تلفیق، کلبتی یگانه و جدا نشدنی. شاید بزرگ‌ترین امتیاز و همچنین اصلی‌ترین خصوصیتی که این آهنگساز را از موج موسیقی کیهانی آلمانی جدا می‌کند عینیتی است که در این آلبوم به موسیقی الکترونیک می‌دهد و صداهایش سرد، شرارت باز و روایات گونه نیست، بلکه قابلیت‌های بیانی‌اش می‌تواند با ارکستر آکوستیک برابر و نمونه‌ای عالی از قدرت اجرا باشد.